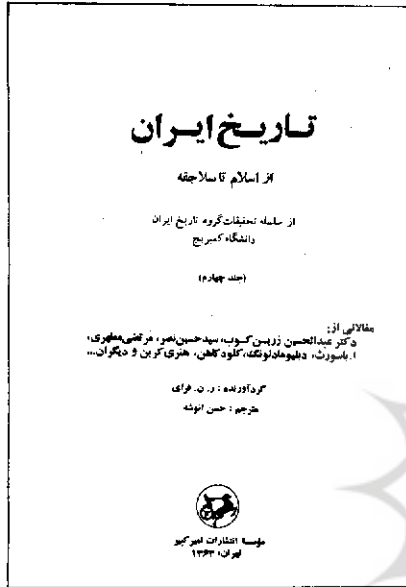


تاریخ ایران کمبریج

کامران فانی

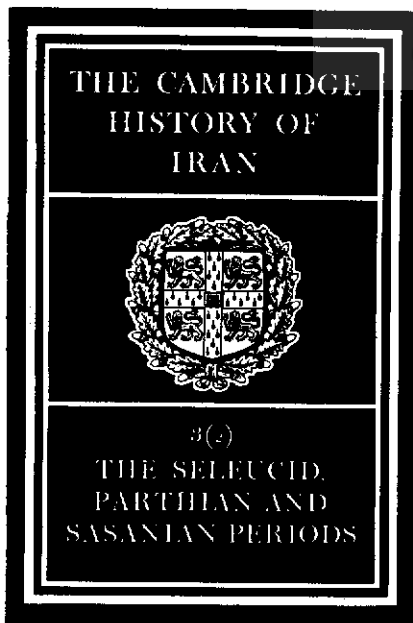
تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه. جلد چهارم. گردآورنده: ر.ن. فرای، مترجم: حسن انوشه. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ۶۷۰ ص، ۱۴۵۰ ریال.



جای خوشوقتی است که پس از سالها انتظار سرانجام یکی از مجلدات هفتگانه تاریخ ایران کمبریج به زبان فارسی ترجمه و منتشر شد. دوره تاریخ ایران کمبریج مفصلترین و جامعترین و به يك معنی معتبرترین کتابی است که تاکنون درباره تاریخ ایران نوشته شده است. اصل این کتاب به زبان انگلیسی است. نخستین مجلد آن در ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷ شمسی) منتشر شد و تاکنون شش مجلد آن انتشار یافته است و مجلد هفتم آن نیز در دست انتشار است. تردیدی نیست که خواننده ایرانی فارسی زبان بیش از خواننده انگلیسی و یا هر خواننده خارجی دیگر سزاوار آن است که مفصلترین کتابی را که با همکاری بین المللی درباره تاریخ کشورش نوشته شده، بخواند. حق بود که این کتاب زودتر از این - همزمان با چاپ متن اصلی و یا اندکی پس از انتشار آن - به فارسی درمی آمد. امیدواریم این درنگ و تأخیر دیگر ادامه پیدا نکند و ترجمه بقیه مجلدات هفتگانه این تاریخ هر چه زودتر در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار گیرد.

ایران دست کم سه هزار سال تاریخ مداوم دارد، تاریخی سرشار از فراز و نشیبهای عبرت آموز. امپراتوریهها و پادشاهیها چه بسا آمدند و رفتند، ولی خاطره کشور بزرگ یکپارچه هرگز فراموش نشد. به گفته ریچارد فرای که این جلد از مجموعه تاریخ ایران کمبریج زیر نظر او منتشر شده است: «تشبیهی که شاید بهتر بتواند این خاصیت تداوم و نوپذیری را تعبیر کند، همانا سرو است که در اشعار فارسی سخن بسیار از آن آمده است. این درخت مانند کاج از طوفان یا بادهای سهم نمی شکند و قابلیت انعطاف دارد. چون باد سهمگین بوزد خم می شود و سر بر زمین می ساید و سپس با آرامش طوفان باز قد راست می کند» (عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، ص ۱۹).

ولی تعداد کتابهایی که تمامی این سیر پرفراز و نشیب را باز نماید و کل ادوار تاریخی ایران را دربرداشته باشد، اندک شمار



ست و از انگلستان دودست تجاوز نمی‌کند. ظاهراً نخستین کتاب جامع در این زمینه، تاریخ ایران سر جان ملکم است که در اوایل قرن نوزدهم نوشته شد و امروزه ارزش خود را - احتمالاً به جز اصول آخر آن که دربارهٔ زندیه و اوایل قاجاریه است و مؤلف خود ناهد آن بوده - یکسره از دست داده است. تاریخ ایران سر پرسی مایکس نیز که حدود پنجاه سال پیش در دو مجلد تألیف شده، با نکه کتابی خواندنی است، ولی حتی در زمان تألیف هم ارزش حقیقی چندانی نداشت. ایران‌شناسان شوروی نیز دو کتاب کوتاه و مختصر دربارهٔ کل تاریخ ایران به صورت کار گروهی داشته‌اند که چون متکی بر بینشی یک جانبه و قالبی است، صوری مخدوش و نادرست از تاریخ ایران بدست می‌دهد. در سالهای اخیر نیز کتابی از یک ایران‌شناس ایتالیایی، الساندرو اسانی، تحت عنوان ایرانیان منتشر شده که با وجود اجمال و اختصار، شاید بهترین اثر کوتاهی باشد که دربارهٔ کل تاریخ ایران اکنون نوشته شده است.

متأسفانه خود ما ایرانیان در این میان کوتاهی بسیار کرده‌ایم. طرح تدوین و تألیف تاریخ جامع ایران حدود شصت سال پیش ریخته شد. قرار بود با همکاری چند تن از محققان ایرانی، تاریخ فصلی دربارهٔ ایران در سه بخش نوشته شود. بخش اول آن که از آغاز تا اسلام بود به عهدهٔ حسن پیرنیا (مشیرالدوله) گذارده شد. پیرنیا سالهای آخر عمر خود را یکسره وقف این کار کرد و کتاب گرانقدر تاریخ ایران باستان را در سه مجلد نوشت که هنوز هم پس از گذشت پنجاه سال مهمترین اثری است که دربارهٔ ایران عهد باستان تألیف شده است. پیرنیا به اواخر دورهٔ پارتیان رسیده بود که عمرش به سر رسید و مزگ فرصت نداد که این کارسترگ را به انجام رساند. بخش دوم این طرح را که از اسلام تا مغول بود سیدحسن تقی‌زاده به عهده گرفت. تقی‌زاده که قرار بود تاریخ ایران را از «پرویز تا چنگیز» بنویسد، نه تنها به چنگیز نرسید بلکه ز پرویز هم فراتر نرفت. تألیف بخش سوم این طرح نیز به عهدهٔ عباس اقبال آشتیانی افتاد که فقط تاریخ دورهٔ مغول را نوشت و بقیهٔ آن را که قرار بود تا زمانهٔ حاضر را دربر بگیرد رها کرد. طرح تدوین تاریخ جامع ایران بدین گونه، ناکام ماند. در این میان پیرنیا و اقبال با همکاری یکدیگر تاریخ مختصری دربارهٔ ایران نوشتند که تنها تاریخ یک جلدی موثق دربارهٔ ایران است. جای تأسف است که ما هنوز هم یک تاریخ جامع مفصل دربارهٔ ایران نداریم و نوشته‌ایم.

چنانکه گفتیم تاریخ ایران کمبریج جدیدترین و مفصلترین کتابی است که دربارهٔ کل ادوار تاریخی ایران نوشته شده است. دانشگاه کمبریج انگلستان صاحب مکتبی تاریخی است که با نام لرداکتون، مورخ شهیر قرن نوزدهمی انگلستان، قرین است.

دوره‌های تاریخ کمبریج که دربارهٔ تاریخ جهان و یا تاریخ برخی از کشورها تألیف شده، شهرت جهانی دارد و از اعتبار و حیثیتی تمام برخوردار است. مهمترین مجموعهٔ تاریخهای کمبریج، «تاریخ جهان کمبریج» است که در سه بخش (دورهٔ باستانی، قرون وسطی، و جدید) در سی و پنج مجلد مفصل منتشر شده و احتمالاً معتبرترین تاریخ جهان است. یکی از آرزوهای نگارنده همواره این بوده است که این مجموعهٔ عظیم و یا لاقلاً بخش مربوط به ایران آن (که خود بالغ بر چند هزار صفحه می‌شود) به فارسی ترجمه شود. دانشگاه کمبریج علاوه بر تاریخ جهان، دربارهٔ بسیاری از کشورها نیز جداگانه تاریخهای مفصل چند جلدی منتشر کرده است. طرح تدوین و انتشار تاریخ ایران کمبریج نیز گامی دیگر بوده است در این راه.

فکر تدوین دورهٔ تاریخ ایران کمبریج مدیون آرتور جان آربری، مستشرق مأسوف علیه انگلیسی و استاد زبان فارسی و عربی دانشگاه کمبریج است. آربری از ایران‌شناسان بزرگ قرن بیستم بود. کتاب ادبیات کلاسیک فارسی او، با وجود اختصار، از خواندنی‌ترین و دلنشین‌ترین کتابهایی است که دربارهٔ ادب فارسی نوشته شده است. ترجمهٔ قرآن او به انگلیسی شاید بهترین و فصیحترین ترجمه‌ای باشد که از قرآن به زبان انگلیسی انجام پذیرفته است. آربری مترجمی زبردست بود، و ترجمه‌های او سرشار از ذوق و ظرافت است. باری آربری خود در مقدمه‌ای که بر مجلد اول تاریخ ایران کمبریج نوشته چگونگی بیدایش این فکر و بسط و انجام آن را شرح داده است. آنچه موجب شگفتی او بود اینکه تاریخ ایران با تمام درخشش و عظمتش در هاله‌ای از تاریکی و ابهام است و هنوز هیچ کتاب جامعی دربارهٔ آن نوشته نشده است. آربری نخستین گام را در این راه با تدوین کتاب میراث ایران برداشت، مجموعه‌ای دربارهٔ تاریخ و فرهنگ ایران زمین به قلم سیزده تن از ایران‌شناسان. مخاطب این کتاب خوانندهٔ عادی بود و حجم کتاب هم از چندصد صفحه تجاوز نمی‌کرد و این همه البته طرح عظیمی را که آربری دربارهٔ تاریخ مفصل و جامع ایران در سرداشت، برآورده نمی‌کرد. او در اوایل سالهای دههٔ شصت (اوایل سالهای ۱۳۴۰) این فکر را با قدس نخعی، سفیر ایران در لندن، در میان گذاشت. نخعی که مردی با فرهنگ و هنردوست و شاعر بود (و به قول آربری کدام ایرانی است که شاعر نباشد) با این طرح موافقت کرد و نهایت همکاری را نمود و چون آربری از قول شکسپیر در نمایشنامهٔ کمدی اشتباهات این جمله را خواند که «من آهنگ ایران دارم و برای سفرم نیازمند پولم»، با شرکت ملی نفت ایران تماس گرفت و «بانی خیر» یافت. شرکت ملی نفت هزینهٔ تألیف و چاپ تاریخ مفصل ایران را تقبل کرد. در این میان هیأت امنای انتشارات دانشگاه کمبریج نیز با

این طرح موافقت کردند و بخشی از هزینه آن را هم به عهده گرفتند. بدینگونه فکر تدوین تاریخ ایران کمبریج جامه عمل به خود پوشید.

گام بعدی تشکیل «هیأت مشاوران و ویراستاران» بود. آربری خود به ریاست این هیأت انتخاب شد. اعضای دیگر این هیأت عبارت بودند از: هارولد بیللی، استاد ممتاز دانشگاه کمبریج؛ ج. بویل، استاد مطالعات ایرانی دانشگاه منچستر؛ بازیلی گری، مسؤول بخش ایرانی موزه بریتانیا؛ خانم لمبتون، استاد زبان فارسی دانشگاه لندن؛ لکهارت، عضو دانشگاه کمبریج؛ و پی تر ایوری، دانشیار زبان فارسی دانشگاه کمبریج. طرح آربری در این هیأت مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و قرار شد تاریخ ایران در هشت مجلد ۵۰۰ صفحه‌ای (بعدها تعداد صفحات عملاً افزایش بسیار یافت) و هر جلد زیر نظر یک ویراستار تدوین شود. نخستین جلد تحت عنوان «سرزمین ایران» در ۱۹۶۸ با مقدمه آربری انتشار یافت. پس از مرگ آربری (۱۹۷۰ م.) هارولد بیللی به ریاست هیأت انتخاب شد و اعضای جدیدی بر هیأت افزوده شدند: باسورث، استاد مطالعات عربی دانشگاه منچستر؛ گرشویچ استاد مطالعات ایرانی دانشگاه کمبریج؛ ماکس مالومان، استاد ممتاز باستانشناسی دانشگاه لندن؛ مرحوم محمود صناعی، استاد روانشناسی دانشگاه تهران؛ و هیوبرت دارک، استاد زبان فارسی دانشگاه کمبریج. آنچه از مجلدات تاریخ ایران کمبریج تاکنون منتشر شده است به شرح زیر است:

- جلد اول: سرزمین ایران. زیر نظر و. ب. فیشر، استاد جغرافیای دانشگاه دوربان انگلستان، شامل جغرافیای طبیعی و اقتصادی، مردمشناسی و جمعیت‌شناسی و گیاه‌زیای ایران، چاپ ۱۹۶۸، (۷۸۴ صفحه).

- جلد دوم: مادها و هخامنشیان. زیر نظر ایلیا گرشویچ، استاد دانشگاه کمبریج، شامل تاریخ ایران از ماقبل تاریخ تا حمله اسکندر، چاپ ۱۹۸۵، (۹۶۳ صفحه).

- جلد سوم: اشکانیان و ساسانیان. زیر نظر احسان یارشاطر، استاد دانشگاه کلمبیا آمریکا. تاریخ سلوکیان در ایران نیز در همین جلد آمده. چاپ ۱۹۸۳، (۲ جلد، ۱۴۸۸ صفحه).

- جلد چهارم: از اسلام تا سلجوقیان. زیر نظر ریچارد فرای، استاد دانشگاه هاروارد آمریکا. چاپ ۱۹۷۵، (۷۳۴ صفحه).

- جلد پنجم: سلجوقیان و مغول. زیر نظر ج. ا. بویل، استاد دانشگاه منچستر انگلستان. چاپ ۱۹۶۸، (۷۷۸ صفحه).

- جلد ششم: تیموریان و صفویان. زیر نظر لکهارت و سیوری، استاد دانشگاه کمبریج. چاپ ۱۹۸۵.

- جلد هفتم و هشتم تاکنون منتشر نشده است. در طرح اولیه قرار بود که جلد هفتم از قرن هجدهم میلادی تا زمان حاضر را

دربرگیرد و جلد هشتم نیز شامل کتابشناسی مفصل، فرهنگ عوام، بررسی تحقیقات ایران‌شناسی و فهرست عام مجلدها و هفتگانه قبلی باشد. این طرح بعداً تغییر کرد و قرار شد جلد هفتم زیر نظر ویلیام ایوری، استاد دانشگاه کمبریج، شامل دوره افشاریه، زندیه و قاجاریه باشد و جلد هشتم زیر نظر هیوبرت دارک دوره پهلوی را دربرگیرد. آقای دارک که ضمناً سرپرست دبیرخانه هیأت مشاوران و ویراستاران را نیز به عهده دارد، نامه‌ای که اخیراً برای نگارنده فرستاد، اظهار داشت که این طرح نیز تغییر کرده و جلد هفتم زیر نظر ایوری و هامبلی (و خود ایشان) از دوره افشاریه تا زمان حاضر را دربر خواهد گرفت و تاریخ ایران کمبریج جلد هشتمی نخواهد داشت. با انتشار این جلد، کلیات هفت جلدی تاریخ ایران کمبریج به پایان خواهد رسید.

در تدوین تاریخ ایران کمبریج حدود صد محقق ایران‌شناس از سراسر جهان، همکاری داشته‌اند. حسن و عیب چنین کار عظیم گروهی روشن است. آقای دکتر زرین کوب که خود در تألیف این دوره همکاری داشته‌اند، و شایستگی ارزیابی دور تاریخ کمبریج ایران را از هر حیث دارند، در نقد مفصلی که در سال ۱۳۴۸ در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درباره جلد پنجم این تاریخ نوشته‌اند، چنین اظهار نظر می‌کنند: «این همکاری یا کاربخشی البته این مزیت را دارد که کتاب در هر قسمت تا حد زیادی از آخرین تحقیقات راجع به آن قسمت چندان دور نیست. اما عیبش این است که غالباً فقط حداقل هماهنگی و یکسانی که لازمه هر تألیف جامع هست بهر می‌یابد و این امر اگر در یک مجموعه مقالات، در یک یادنامه، در یک جشن نامه، در یک دایرة المعارف، قابل اغماض باشد در یک تاریخ جامع ظاهراً بیش از آن زنده است که قابل اغماض تواند بود. واقع اگر یک دید بلند مورخانه، که کردار اشخاص گونه‌گون را در طی ادوار مستمر پدید آمده‌اند بتواند بهم پیوندد و تحرکی را در حوادث تاریخ است نشان دهد، در این مجموعه به چشم نمی‌خورد تنها نه از آن روست که ظاهراً طراحان کتاب خواسته‌اند چیزی مانند دایرة المعارف تاریخی تهیه کنند و بنا کار را بر تدوین و تلخیص اطلاعات موجود گذاشته‌اند نه نقد تحلیل آنها، بلکه بیشتر از آن روست که تاریخ با بینش یک محقق تهیه شده است نه با بینش یک مورخ... در تاریخ شرق، خاصه ایران، محققان غالباً - خاصه شرق‌شناسان فرنگی - چنانکه سرهامیلتون گیپ از روی انصاف تصدیق می‌کند بیشتر به آن سبب که پاره‌ای مقدمات و وسائل کار را دارند و مخصوصاً به سبب آنکه اگر آنها بدین امر دست نزنند میدان خالی خواهد ماند، در این کار وارد می‌شوند. اما ورود آنها سبب می‌شود که تاریخ شرق نه از نظر گاه مورخ، بلکه از چشم انداز ارباب لغت و ادب بررسی

اسلام تا سلاجقه. بعلاوه، اینکه در صفحه عنوان ترجمه فارسی آمده: «از سلسله تحقیقات گروه تاریخ در دانشگاه کمبریج» نیز نادرست است و البته در صفحه عنوان متن اصلی هم دیده نمی شود. از قضا در این جلد از تاریخ ایران کمبریج حتی يك نفر هم از محققان دانشگاه کمبریج شرکت نداشته اند. دانشگاه کمبریج چنانکه گفتیم سرپرستی و نظارت کلی این دوره را (آنها زیر نظر هیأت مشاورانی که برخی از آنها عضو دانشگاه کمبریج اند) به عهده دارد، نه اینکه گروه تاریخ دانشگاه کمبریج آمده باشند و این دوره از تاریخ ایران را نوشته باشند. در همین صفحه عنوان کذایی آمده است: «با مقالاتی از دکتر عبدالحسین زرین کوب، سیدحسین نصر، مرتضی مطهری، باسورث، مادلونگ، کلودکاهن، هنری کربن و دیگران...». و دیگران یعنی چه؟ هر کدام از بخشهای این کتاب را یکی از محققان بنام نوشته اند و جمعا نوزده نفر در نوشتن این کتاب شرکت داشته اند. در متن اصلی کتاب نام نویسندگان بخشهای مختلف کتاب در صفحه عنوان ذکر نشده و تنها به ذکر نام ویراستار اکتفا شده است. ولی در فهرست مندرجات کتاب، نام و نشان هر نویسنده زیر مقاله ای که نوشته به تفصیل ذکر شده است. در فهرست مندرجات ترجمه فارسی این نامها حذف شده و خواننده فارسی هیچ نشانی از اینکه هر فصل و بخش کتاب را چه کسی نوشته است، در دست ندارد. طبعاً خواننده فارسی حق دارد که بداند فی المثل فصل «سلسله های کوچک شمال ایران» را که از درخشانترین فصول این کتاب است چه کسی نوشته است و یا مرحوم مطهری و یا دکتر زرین کوب کدام فصل از کتاب را نوشته اند. در اینجا از فرصت استفاده می کنیم و نام و نشان نویسندگان کتاب را در کنار مقالاتشان ذکر می کنیم تا خوانندگانی که ترجمه فارسی کتاب را گرفته اند و احياناً متن اصلی آن را در دست ندارند، نام این نویسندگان را در فهرست مندرجات ترجمه فارسی کنار مقالاتشان بیاورند:

بخش اول) فتح ایران به دست اعراب و پی آمد آن، نوشته دکتر عبدالحسین زرین کوب، دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

بخش دوم) خلافت عباسیان در ایران، نوشته روی متحده، دانشگاه پرینستون.

بخش سوم) طاهریان و صفاریان، نوشته کلیفورد باسورث، دانشگاه منچستر.

بخش چهارم) سامانیان، نوشته ریچارد فرای، دانشگاه هاروارد.

بخش پنجم) دوره اول غزنوی، نوشته باسورث.

بخش ششم) سلسله های کوچک شمال ایران، نوشته مادلونگ، دانشگاه شیکاگو.

شود. نویسنده تاریخ در واقع می بایست از میان اسناد و مدارک موجود آن چیزهایی را برگزیند که از روی آنها می توان يك گذشته را تبیین و تحلیل کرد، نه اینکه مثل يك محقق بکوشد برای تمام آنچه از گذشته در عالم تحقیقات ادبی و لغوی مشکل مانده است اسناد و مدارک پیدا کند. متأسفانه بیشتر کسانی که در باب تاریخ شرق نزدیک در قرون وسطی و عصر جدید چیزی نوشته اند و می نویسند مورخ به معنی درست کلمه نیستند، بلکه در واقع شرق شناسانی هستند که علاقه «آماتوری» به تاریخ دارند... [ولی به هر حال] تبحر و احاطه غالب نویسندگان این کتاب، در بسیاری موارد آن را از نکته های تازه یا تفسیرهای جالب و آموزنده مشحون کرده است و در هر حال اشتمال کتاب بر حاصل تحقیقات جدید و همکاریهای علمی بین المللی، مزیتی خاص به آن بخشیده است که مطالعه آن را مخصوصاً برای ایرانیان سودمند می کند و پربرکت. دانشمندی که فصول مختلف این کتاب را نوشته اند در واقع به سبب تبحری که در این مسائل داشته اند تقریباً تمام مآخذ موجود و معروف را بررسی کرده اند و بندرت از این لحاظ چیزی از آنها فوت شده است.»

جلد چهارم تاریخ ایران کمبریج چنانکه گفتیم در سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴ شمسی) زیر نظر ریچارد فرای با همکاری نوزده تن از محققان ایرانی و خارجی منتشر شد. حق بود آنچه درباره تاریخچه و چگونگی تدوین دوره تاریخ ایران کمبریج گفتیم در مقدمه ترجمه فارسی می آمد. متأسفانه مترجم و ناشر هیچکدام مقدمه ای بر ترجمه فارسی ن نوشته اند. صفحه عنوان مغشوش و مغلوط و بی ربط کتاب هم بر سردر گمی بیشتر خواننده می افزاید. در صفحه عنوان کتاب آمده است: «تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، از سلسله تحقیقات گروه تاریخ در دانشگاه کمبریج، جلد ۴.» خواننده در می ماند که اگر این مجلد چهارم «تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه» است، پس سه جلد قبلی آن کجاست و چرا ترجمه نشده است؟ آیا سه جلد قبلی ترجمه نشده هم درباره «تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه» است؟ اصلاً این جلد چهارم کدام کتاب است؟ عنوان صحیح کتاب، چنانکه در متن اصلی هم آمده، باید به این صورت باشد: تاریخ ایران کمبریج، جلد ۴، از

بخش هفتم) ایران در عصر آل بویه، نوشته هریرت بوسه، دانشگاه آلبرشت، کیل آلمان.

بخش هشتم) قبایل، شهرها و سازمانبندی اجتماعی، نوشته کلودکاهن، دانشگاه پاریس.

بخش نهم) هنرهای دیداری، نوشته الگ گرابار، دانشگاه هاروارد.

بخش دهم) سکه‌شناسی، نوشته ج. مایلز، انجمن سکه‌شناسی آمریکا.

بخش یازدهم) علوم دقیقه، ای. کندی، دانشگاه آمریکایی بیروت.

بخش دوازدهم) علوم زیستی، نوشته سیدحسین نصر، دانشگاه تهران.

بخش سیزدهم) فلسفه، جهان‌شناسی و تصوف، نوشته سیدحسین نصر.

بخش چهاردهم) علوم دینی، نوشته مرتضی مطهری، دانشگاه تهران، و سیدحسین نصر.

بخش پانزدهم) ملل و نحل. نوشته آموزه‌تی، دانشگاه رم.

بخش شانزدهم) ناصر خسرو و اسماعیلیه ایران، نوشته هانری کرین، مدرسه مطالعات عالی، پاریس.

بخش هفدهم) ادبیات زرتشتی، نوشته روانشاد دومناش.

بخش هجدهم) ادب عربی در ایران، نوشته ویکتوردانز، دانشگاه ایندیانا.

بخش نوزدهم) ظهور زبان فارسی نوین، نوشته ژیلبر لازار، دانشگاه پاریس.

بخش بیستم (الف): رباعی در ادب نخستین فارسی، نوشته الول ساتن، دانشگاه ادینبورگ.

بخش بیستم (ب): عمر خیام، نوشته ج. بویل، دانشگاه منچستر.

در ترجمه فارسی متأسفانه مقدمه ریچارد فرای، ویراستار کتاب، نیز حذف شده است. فرای در این مقدمه جز بر شمردن مشکلات کار و شیوه ویراستاریش، نظری کلی به این دوره چهارصدساله که نقش اساسی در ساختن ایران اسلامی داشته، می‌اندازد و آن را در چشم‌انداز کلی جهان اسلامی ارزیابی می‌کند. به نظر فرای اسلام در شکوفایی فرهنگ ایرانی نقش اساسی داشته است. اسلام نخستین بار پس از دوره هخامنشی اقوام ایرانی را با یکدیگر متحد کرد و زبان فارسی را از سند و ماوراءالنهر تا آناتولی گسترش داد و به فرهنگ ایرانی به یک معنی جنبه بین‌المللی بخشید. خدمت متقابل ایران به اسلام این بود که آن را از تنگ نظری اعراب بدوی نجات بخشید و به فرهنگ اسلامی - که خود در پایه‌گذاریش نقش اصلی داشت -

صبغه جهانی داد. بحث و گفتگو درباره تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه البته در این مختصر نمی‌گنجد. مقالات متنوع و پربار این کتاب - که بی‌گمان از غث و سمین هم خالی نیست - جای گفتگو بسیار دارد. در برخی از بخشهای کتاب آراء و نظرات تازه و بدیعی مطرح شده (مثلاً در بخش مربوط به ملل و نحل و یا بخش رباعیات) که در نوشته‌های فارسی کمتر به آنها برمی‌خوریم. به گمان من بخشهای سلسله‌های کوچک شمال ایران، قبایل و شهرها و سازمانبندی اجتماعی، سکه‌شناسی (که در ایران کمتر مورد توجه است)، ملل و نحل، ناصر خسرو و اسماعیلیه ایران، ظهور زبان فارسی نوین، رباعی در ادب نخستین فارسی از بخشهای دیگر مفیدتر است، ولی البته تمام کتاب خواندنی و دلنشین است و کتابشناسی مفصل آخر کتاب نیز بر فایده آن می‌افزاید.

لازمست در پایان سخنی هم درباره ترجمه کتاب گفته شود. اصولاً ترجمه تاریخ ایران کمبریج که جز تاریخ سیاسی صرف در آن از هنر و فلسفه و کلام و علوم و ادبیات نیز سخن رفته است و هر بخش آن هم به قلم محقق متخصصی است که شیوه بیان و سبک و سیاق خاصی دارد، کاری دشوار است و نیاز به وسعت اطلاع و دقت نظر بسیار دارد. آقای حسن انوشه به گمان من در ترجمه این کتاب کلاً موفق بوده است. نثر ترجمه استوار و پخته است. متن اصلی با دقت و امانت به فارسی در آمده، به منابع اصلی رجوع شده و اعلام و اصطلاحات به درستی ضبط شده‌اند. البته مترجم در برگرداندن بخشهای تاریخی موفقتر از بخشهای دیگر بوده است. بخشهای ناموفقتر بیشتر مربوط به علوم دقیقه، فلسفه و ناصر خسرو و اسماعیلیه است. در یک صفحه از بخش مربوط به جبر (ص ۳۳۴) حدود ده غلط چاپی و غیرچاپی به چشم می‌خورد. بخش ناصر خسرو و اسماعیلیه، به قلم هانری کرین، دیر یاب و مشکل است. کرین این مقاله را به فرانسه نوشته و بعداً به انگلیسی ترجمه شده. در ترجمه انگلیسی هم ابهام وجود دارد و این ابهام در ترجمه فارسی بارزتر شده است.

تاریخ ایران کمبریج کتابی است مهم و معتبر که بی‌شک سالها محل رجوع و استناد خواهد بود و در ترجمه و ویرایش آن هر قدر دقت بیشتر شود، مشکورتر خواهد بود. چاپ و صحافی کتاب نفیس و با سلیقه است، جز آنکه اغلاط چاپی فراوان دارد. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، جلد پنجم تاریخ ایران کمبریج نیز به ترجمه حسن انوشه و به همت مؤسسه امیرکبیر در دست انتشار است و جلد سوم آن را نیز همین مترجم در دست ترجمه دارد. امید است که مجموعه تاریخ ایران کمبریج که حاصل کار بیست ساله ده‌ها تن محقق ایرانشناس ایران دوست است، به طور کامل به زبان فارسی ترجمه و منتشر گردد.